

## در دفاع از سوسیالیسم (۱۱)

### پیش بسوی انترناسیونال کارگری جدید

اول ماه مه ارتباطی ناگسستگی با انترناسیونال دوم دارد. سه سال پس از سرکوب اعتصابات کارگری ۱۸۸۶ آمریکا، در کنگره بین الملل سوسیالیستی کارگران که در ژوئیه سال ۱۸۸۹ و به ابتکار انگلس تشکیل شده بود، و در حقیقت کنگره مؤسس انترناسیونال دوم محسوب می گردید، قطعنامه ای دایر بر تعیین روز اول ماه مه بعنوان روز همبستگی کارگران جهان به تصویب رسید. از آن به بعد همه ساله این روز تاریخی بعنوان جشن اتحاد کارگران در برابر اردوی سرمایه با شکوهی فزاینده برگزار می شود. از این رو بی مناسبت نخواهد بود در این روز به موضوع انترناسیونالیسم کارگری بپردازیم.

#### انتر ناسیونال های پیشین

انترناسیونال اول (۱۸۶۴-۱۸۷۲) شالوده های لازم برای یورش انقلابی کارگران علیه سرمایه و مبارزه پروتلاریای بین المللی در راه سوسیالیسم را بنا نهاد. نقش هدایت گر و تعیین کننده مارکس از نکات بارز حیات این دوره از انترناسیونال بود.

انترناسیونال دوم (۱۹۱۴-۱۸۸۹) با مساعی انگلس زمینه های بسط پردهنامه و توده ای جنبش کارگری را در یک سلسله از کشورها فراهم ساخت، و طی آن سال ها موجب رشد جنبش کارگری در عرض شد. اپورتونیسم حاکم در اواخر سال های حیات انترناسیونال دوم موجب تنزل سطح انقلابی و نهایتاً زوال و ورشکستگی آن شد.

انترناسیونال سوم (۱۹۱۹-۱۹۴۷) اساساً از دل مبارزه کارگران و در رأس آن بلشویک های روسیه و شخص لنین علیه اپورتونیسم و شوونیسم اجتماعی حاکم بر انترناسیونال دوم متولد شد، و در دوران جنگ کار را به تشکیل احزاب کمونیست در یک سلسله از کشورها کشاند. مهم ترین صفت انترناسیونال سوم احیای سنت های مارکسیستی بود. انترناسیونال سوم دستاوردهای مبارزاتی و انقلابی انترناسیونال دوم را برداشت و پلیدیهای آنرا ( اپورتونیسم، شوونیسم ) دور ریخت. مهم ترین کاستی انترناسیونال سوم حذف اتحادیه های کارگری از پیکر انترناسیونال بود. همچنین می توان به بوروکراسی حاکم، دولتی شدن آن، نقش فزاینده و در عین حال غیر قابل قبول حزب کمونیست شوروی اشاره نمود.

در اینجا لازم است از بین الملل سوسیالیستی هم یاد کنیم که با وضع موجود سازش کرد، و کاریکاتوری از آخرین سال های انترناسیونال دوم را ارائه نمود.

همزمنی و نقش مؤثر در طی سه دوره حیات انترناسیونال نخست بدست کارگران فرانسه، سپس کارگران انگلستان، بعد کارگران آلمانی این نقش را عهده دار بودند و نهایتاً به کارگران روس انتقال یافت.

#### ضرورت باز سازی انترناسیونال کارگری

با فروکش نمودن اختلافات دول امپریالیستی که موجب دو جنگ جهانی گردید و انتقال این درگیری ها به کشورهای پیرامونی، و با گرایش فزاینده سرمایه به جهانی شدن و جهانی سازی هرآنچه که برای کسب سود و انباشت هر چه بیشتر سرمایه لازم است، شاهد شکل گیری انترناسیونال سرمایه می باشیم. سرمایه داری در راستای منافع خود مرزهای ملی را درهم می نوردد، تمامی موانع گمرکی را از بین می برد، دولت ها را ضعیف تر و ضعیف تر می سازد، نخچه گان جامعه را برای تشدید استثمار کارگران و زحمتکشان و خلق های جوامع پیرامونی به خدمت می گیرد، در پی باز پس گیری دستاوردهای نزدیک به دو قرن مبارزه کارگران بوده، شکاف طبقاتی را تشدید، تعداد میلیاردها را به قیمت خانه خرابی میلیون ها انسان افزایش داده، محیط زیست را غارت و تخریب می نماید. برای مقابله با این یورش جهانی راه کاری بجز اقدام و مقابله جهانی قربانیان سرمایه و وجود ندارد. تنها و تنها لازم است جهانی عمل کنیم.

سرمایه داری هم زمان با جهانی عمل نمودن خود، تفرقه و شکاف کارگران و زحمتکشان را موجب می گردد، و هر آنچه را که می تواند به ایجاد شکاف و تشدید زحمتکشان یاری رساند، به کمک می گیرد. نا همگونی های قومی، فرهنگی، جغرافیایی، نژادی، مذهبی، اختلافات تاریخی، تفاوت درآمدها، ارتش ذخیره کارگران و همچنین کم خطر شدن و از بین رفتن رزمندگی انقلابی کارگران کشورهای کانونی نسبت به کارگران قرن نوزدهم از جمله

مواردی هستند که به همراه استبداد و سرکوب و نیز رشد تکنولوژی موجب پراکندگی و کاهش قدرت اجتماعی کارگران دهه های آخر قرن بیستم شده است.

جهانی سازی سرمایه داری اشکال قدرت طبقه کارگر را مورد تهاجمی جغرافیایی و ایدئولوژیک قرار داده است. توان مطالباتی کارگران با استفاده از اعتصاب در پی اعتقاد پیمان هایی نظیر " پیمان نفتا" کاهش یافته، کاسته شدن از قدرت اتحادیه ها، کاهش دستمزدها، هجوم به تأمینات اجتماعی کارگران در کشورهای کانونی که خود حاصل سالها مبارزه طبقاتی کارگران این کشورها بود، از دست آوردهای سرمایه داری از اجرای پروژه جهانی سازی است.

علیرغم تهاجم گسترده سرمایه داری و عقب نشینی های پی در پی اردوی کار، و سردرگمی پیشاهنگان این طبقه، مبارزه طبقاتی با افت و خیزهایی بلاوقفه ادامه دارد. اعتقاد به مبارزه طبقاتی شدت یافته، امید به زایش سرمایه داری با چهره ای انسانی از بطن سرمایه داری حاکم هر روز بیشتر از پیش رنگ می بازد. حتی تقلا میوسانه چپ رنگ باخته به تشویق ایدئولوگ های تئولبرالیست برای انجام سزارین برای زایاندن نرینه سرمایه داری هم نتوانسته است، امید به اصلاح سرمایه داری را در میان توده ها از نو زنده سازد. مبارزه طبقاتی ادامه دارد و کارگران درک می کنند که نظام اجتماعی حاکم مسئول وضعیت غیر انسانی حاکم بر زندگی آنهاست. توهم سرمایه داری با سیمای انسانی تنها موجب فریب توده ها و خلع سلاح آنان می گردد.

انترناسیونالیسم کارگری تنها آلتناتیو مناسب جهانی سازی سرمایه است، و شعار " کارگران جهان متحد شوید" هنوز هم یگانه شعاری است که می تواند کارگران و زحمتکشان جهان را به مقابله با سرمایه داری و پروژه جهانی سازی آن و انباشت سرمایه و تشدید استثمار برانگیزاند. البته نباید انکار نمود. که بازسازی انترناسیونال با تشدید روند جهانی سازی از اواخر قرن گذشته با مشکلات زیادی مواجه است. فقدان انترناسیونال با نفوذ توده ای ناشی از تداوم بحران رهبری است. برای مبارزه علیه انحطاط بین المللی جنبش کارگری باید به مبارزه ای پیگیرانه علیه رهبران سازشکار و اپورتونیست و برای ایجاد بین الملل جدید و انقلابی اقدام نمود.

هدف اتحادیه ها متشکل ساختن کارگران و هدف مند نمودن مبارزات طبقه کارگر برای دست یابی به برنامه ها و خواست های خود با کمترین هزینه و در کوتاه ترین مدت ممکن می باشد. گام برداشتن در راستای اتحاد تشکل های کارگری نباید به نفی مبارزه و رزمندگی طبقه کارگر و سازش طبقاتی برای نفی مبارزه طبقاتی بیانجامد. در مقابل آزادی تشکل سرمایه اردوی کارالزماً بایستی متشکل گشته و به احیای سنت های انترناسیونالیسم مبارزت و رزد. کارگران بدلیل زیادی نیازمند همبستگی بین المللی می باشند، کمک مالی به کارگران اعتصابی، مبارزه علیه اعتصاب شکنان، افشاء سوء رفتارهای محلی با اعتصابیون، جلوگیری از اقداماتی که موجب کاهش قدرت اجتماعی اتحادیه ها می شود و فشار به حکومت هایی که تاکتیک های دولت- پلیسی علیه کارگران به کار می برند.

مبارزه کارگران علیه سرمایه داری نمی تواند تنها به کارگران صنعتی کشورهای گوناگون خلاصه شود. بایستی با ملحوظ داشتن منافع و خواست های کارگران نیمه وقت، پاره وقت و موقتی این توده میلیونی را با مبارزات کارگری همراه ساخت. باید راه کارهایی را برای ارتباط مبارزات ملی و محلی با مبارزه جهانی کارگران و پیوند منافع ملی پروتلاریای کشورهای گوناگون با منافع مشترک تمام کارگران

ارائه و بکار گرفت. باید در هر واحد مکانی ملی وجهانی همزمان مبارزه کرد.

با سرآمدن دوران یأس ناشی از شکست سوسیالیسم شوروی و عقب نشینی های ناشی از آن، از وظایف مهم کمونیست ها و تمامی چپ های معتقد به سوسیالیسم بعنوان نظامی اجتماعی و موضوع مبارزه حال حاضر زحمتکشان، تلاش برای بازسازی سنت های انترناسیونالیستی و احیای انترناسیونال کارگری جدید متناسب با شرایط فعلی جهان می باشد. هیچ انگیزه ای نمی تواند موجب فراموشی و یا کم اهمیت شدن این وظیفه عاجل برای اردوی کار شود. اتحاد طبقاتی کارگران و زحمتکشان اتحاد برای دمکراسی و همچنین برای دفاع از حقوق بشر، صلح و محیط زیست نیز هست. باید مبارزه برای دمکراسی و پیشرفت اجتماعی را با باز سازی انترناسیونال و مبارزه علیه جهانی سازی در هم آمیخت و تمام توان توده های کار و زحمت را برای این امر بسیج نمود.

سوسیالیسم ذاتاً گرایش به جهانی شدن دارد و بعنوان بدیل سرمایه داری بایستی خیلی انترناسیونالیستی تر از آن بوده و انترناسیونالیسم کارگری هم باید بنیاد سوسیالیسمی باشد که قرار است جایگزین جهانی سازی سرمایه داری شود. جهانی سازی تعریفی امروزی از اهداف امپریالیستی است. بنابر این مبارزه علیه جهانی سازی در حقیقت مبارزه علیه عالی ترین شکل سرمایه داری یعنی امپریالیسم می باشد. مبارزه برای سوسیالیسم همواره از مبارزه بر علیه استثمار و مالکیت خصوصی بر ابزار تولید جدا نبوده، و نتیجتاً مبارزه برای سوسیالیسم از مبارزه

## به سوی اول ماه مه اطلاعیه دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب

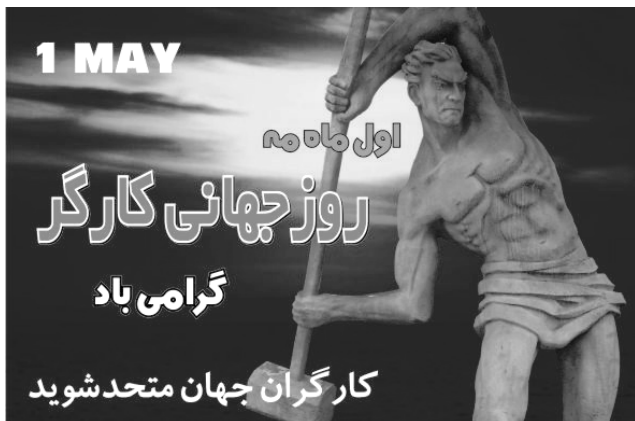
اول ماه مه برای طبقه‌ی ما - طبقه کارگر - روز همبستگی جهانی است. این روز روزی است که پرچم و افق کارگری در جهان به اهتزاز در می‌آید. در همه جای گیتی از تهران و کرج و سنندج تا لوس آنجلس و پاریس و مسکو و از کابل و بغداد و قاهره تا تل آویو و آمستردام و همه جای جهان، یک پرچم و یک صدا بلند می‌شود "زنده باد همبستگی جهانی کارگران"، "زنده باد برابری، زنده باد آزادی". کارگران و مردم زحمتکش دنیا در یک صف و یک دل در خیابان‌های شهرها رژه می‌روند و اعلام می‌کنند "ما انسان هستیم"، ما ملت و مرز و قوم نمی‌شناسیم و هیچ تفرقه‌ای را نمی‌پذیریم. ما کارگریم، به نام دین و ملت و قوم نمی‌توانند ما را از هم جدا کنند. این شعارهای برجسته‌ی اول ماه مه است، حتی اگر این شعار به این شکل واضح بر پرچم‌های کارگران و مردم در این روز نوشته نشده باشد

اول ماه مه، روز جهانی کارگر و روز همبستگی جهانی طبقه کارگر، امسال در حالی برگزار خواهد شد که حوادث مختلفی در سال گذشته بر جنبش کارگری و جنبش آزادی و رهایی انسان گذشته است. در سالی که گذشت باز هم سرمایه داری افسار گسیخته‌ی ایران با تمام توان خود و تا جایی که توانست دست خود را به سوی سفره خالی کارگران دراز نمود و ولع تهوع آور خود را برای کسب سود بیشتر در ازای به فلاکت کشاندن کارگران و زحمتکشان این جامعه در سال گذشته هر چه بیشتر نمایان کرد و چهره خود را زمانی به وضوح عیان تر نمود که کارگران در هر اعتراضی نسبت به حقوق معوقه و دستمزدها با سرکوب سازمان یافته دستگاه روبرو گشتند. سالی که گذشت سال مبارزات طبقاتی در سطح گسترده‌ای در جامعه بوده و سالی بوده است که طبقه کارگر نسبت به حقوق واقعی خود آگاه تر شده و میدانند که باید دست متعرض سرمایه داران به زندگیش را کوتاه کند.

در ایران طبق معمول هر سال علیرغم ممنوعیت برگزاری مراسم اول ماه مه، این مراسم در اشکال مختلف در محله و کارخانه و دانشگاه و ... برگزار می‌شود. ما دانشجویان آزادی‌خواه و برابری‌طلب چندین سال است که این مراسم را در دانشگاه برگزار می‌کنیم و یا در مراسم مستقل کارگران شرکت فعال می‌کنیم. امسال نیز ما دانشجویان آزادی‌خواه و برابری‌طلب به استقبال اول ماه مه می‌رویم. ما در کنار میلیون‌ها کارگر و انسان در جهان این روز را گرامی می‌داریم. امید و تلاش ما این است که پرچم و افق این روز به افق همه‌ی کارگران و انسان‌های زحمتکش جهان تبدیل شود. تفرقه‌های قومی و ملی و مذهبی در میان کارگران و مردم جهان رخت برنندد و آزادی و برابری مردم در ایران و جهان متحقق شود.

اول ماه مه روز بزرگی برای طبقه‌ی ما است. ما در این روز پرچم همبستگی جهانی طبقه کارگر و شعار "کارگران جهان متحد شوید" را برافراشته نگاه خواهیم داشت. به امید اول ماه مه هر چه باشکوه تر

دانشجویان آزادی‌خواه و برابری‌طلب سراسر کشور  
۲۶ فروردین ۱۳۸۷



علیه امپریالیسم جدایی ناپذیر است.

انترناسیونال جدید که اساساً بر محور اتحادیه‌های کارگری و مستقل از دولت شکل خواهد گرفت، تمامی احزاب کارگری، کمونیست‌ها، سوسیالیست‌های چپ، و تعداد کثیری از چپ‌های کارگری آزاد اندیش و غیر متعصب را شامل خواهد بود. شرط حضور در انترناسیونال کارگری جدید می‌تواند باور به مبارزه طبقاتی و جانبداری از طبقه کارگر در این پیکار، مبارزه در راه سوسیالیسم بعنوان نظامی اجتماعی و قابل دسترس باشد. همچنین نمی‌توان به بهانه همبستگی کارگران تعدد احزاب، تشکل‌ها و تجمعات کارگری را نفی نمود.

### پیوند طبقه کارگر با دیگر جنبش‌های اجتماعی

سرمایه داری تنها کارگران را مورد بهره‌کشی قرار نمی‌دهد. میلیاردها انسان از جمله کشاورزان، زنان، خلق‌های کشورهای پیرامونی و ... به انحاء مختلف توسط سرمایه داری غارت می‌شوند. محیط زیست و طبیعت برای افزایش سود سرمایه داران وحشیانه تاراج می‌گردد. جنگ همزاد سرمایه داری است و میلیون‌ها انسان همه ساله قربانی جنگ می‌شوند و با دار و ندارشان در آتش جنگ می‌سوزند. اگر طبقه کارگر می‌خواهد در پیکار با سرمایه داری پیروزی را در آغوش گشود، چاره‌ای جز پیوند با سایر جنبش‌های اجتماعی ندارد. بایستی دست اتحاد بسوی جنبش‌هایی که با سوسیال‌فوروم جهانی و برای دموکراسی، حقوق بشر، صلح، حقوق زنان و کودکان، علیه تخریب محیط زیست، حقوق ملیت‌ها، ضدنژادپرستی، همبستگی با جهان سوم و لغو بدهی کشورهای پیرامونی و ... و بر علیه جهانی سازی سرمایه داری مبارزه می‌کنند، دراز نماید.

سوسیال‌فوروم جهانی که در غیاب و ضعف جنبش کارگری رشدی فزاینده داشته و به جنبشی جهانی و تأثیر گذار تبدیل شده، بعزت نیروهای نا همگون تشکیل دهنده آن آسیب پذیر می‌باشد. جنبش کارگر نسبت به این جنبش همگون تر و منسجم تر و دارای سابقه تاریخی بیشتری است، ولی حتی جدا بودن جنبش‌های اجتماعی از خط مشی طبقه کارگر نباید به تقابل با طبقه کارگر و عدم اعتبار آن منتهی شود. کارگران برای نفی استثمار نیازمند همکاری دیگر نیروهای اجتماعی می‌باشند. اتحادیه‌های کارگری باید تلاش کنند تا فرمولی برای همکاری با این جنبش پیدا نمایند و از سوق یافتن به تقابل با این خودداری نمایند. کارگران در اتحاد با جنبش سوسیال‌فوروم جهانی باید سعی کنند نیروهای تشکیل دهنده آن برای اهداف مشخص خود جهانی عمل کنند. به رشد این جنبش از پایین برای یورش به عرش و بر علیه جهانی سازی سرمایه داری مساعدت ورزند.

### انترناسیونال خلق‌ها

کشورهای پیرامونی و نیروهای دموکراتیک آن کشورها انگیزه‌های فراوانی برای مبارزه مشترک با کارگران در مبارزه علیه سرمایه داری و کریه‌ترین شکل آن امپریالیسم دارند. استراتژی اتحاد کارگران با جنبش‌های اجتماعی و مبارزات خلق‌های مناطق پیرامونی می‌تواند استراتژی مناسبی برای مبارزه علیه سرمایه داری و سلطه باشد. انترناسیونال خلق‌ها حلقه واسط انترناسیونال کارگری با جنبش‌های اجتماعی و اتحادیه‌های کارگری در مبارزه بر علیه انترناسیونال سرمایه می‌باشد. نایستی این دو را بدیل و یا نافی یکدیگر بشمار آورد. مسئله ملیت‌ها امری غیر قابل انکار در مبارزات ضد امپریالیستی و بر علیه جهان سرمایه داری بشمار می‌آید. هر چند که انقلاب اکتبر از مفهوم ملت تهی بود، ولی انقلاب چین، یوگسلاوی و ویتنام در عین تأسی به انقلاب اکتبر زیر درفش ملت به پیروزی رسیدند و نشان دادند که مبارزات ملی می‌تواند در پیوند و هم راستای مبارزات کارگری باشند. اما بایستی هشیار بود که حرکت‌های ملیتی، توانمندی بالقوه‌ای برای فراروئیدن به جنبش‌هایی شوونیستی و ماهیتاً ارتجاعی را دارند، که در این صورت آب به آسیاب امپریالیسم و اردوی سرمایه خواهند ریخت. کارگران و نیروهای مدافع منافع آنان بایستی با هر حرکتی که موجب تفرقه و پراکندگی جبهه کارگری می‌گردد مقابله نمایند. افشای بنیاد گرایشی شوونیستی و همچنین مذهبی که غالباً در زیر نقاب ضد امپریالیسم ارتجاعی و گمراه‌گر پنهان می‌شود، و هم زمان مبارزه راستین علیه امپریالیسم و جهانی سازی سرمایه داری از دیگر وظایف این نیروها می‌باشد.

جمعی از هواداران سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت (داخل کشور)  
۱۳۸۷/۲/۴